

## تأثیر پویایی تسلیحات بر صلح جهانی و دلایل ضعف مقابله با آن

احسان جعفری فرا<sup>۱</sup> - جلال‌الدین سلیمی<sup>۲</sup>

### چکیده

پویایی تجارت بین‌المللی تسلیحات بر تمامی جنبه‌های روابط بین‌الملل و بروز درگیری‌ها و به تبع نقض حقوق بشر تأثیر گذاشته است، زیرا کشورهای سراسر جهان ترغیب می‌شوند که با داشتن تجهیزات پیشرفته نظامی برای پیشبرد سیاست خارجی، امنیت ملی و منافع اقتصادی خود حامی رویه‌های خشونت‌بار باشند. بر همین اساس بررسی موضوع منشأ سیاست‌های میلیتاریستی را نباید تنها در سیاستمداران یا راهبردهای سیاست از مجرای رسمی جستجو کرد بلکه مسئله تولید و تجارت بدون محدودیت تجهیزات نظامی را باید مورد توجه قرارداد. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی به دنبال بررسی پویایی تسلیحات بر صلح جهانی و دلایل ضعف مقابله با آن است؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که یکی از پرسودترین تجارت‌های جهان تجارت تجهیزات نظامی است و یکی از عوامل تأثیرگذار بر ناامنی جهان نیز به شمار می‌رود و به سبب نبود قوانین بازدارنده بین‌المللی، رویه امنیت‌جویی و خوداتکایی دولت‌ها در کنار نفوذ مجتمع‌های نظامی بر سیاستمداران می‌توان از ضعف مقابله با این تجارت و تأثیر منفی آن بر صلح و تقویت حقوق بشر در جهان یاد کرد.

### واژگان کلیدی: پویایی تسلیحات، تجارت اسلحه، امنیت، صلح جهانی، مجتمع‌های صنعتی-نظامی

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Ehsan\_Jafari\_Far@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

Jalal.saalimii@gmail.com



## مقدمه

تولید و تجارت اقلام و تجهیزات نظامی بدون شک یکی از بزرگ‌ترین تهدیدها برای صلح است، به‌ویژه آنکه امروزه رشد صنایع تولید و تجارت آن در یک شیب تند و پررونق قرار گرفته است و شرکت‌های متعدد برای بهره‌مندی از مزایای اقتصادی تلاش دارند تا نسبت به گذشته و سایر رقبا تجهیزات مدرن‌تر و قدرتمندتر تولید کنند و بانفوذ در سیاست‌گذاری‌ها منافع خود را کسب نمایند. هزینه‌های نظامی جهان به‌طور پیوسته در حال افزایش است و بنگاه‌های نظامی به‌عنوان یک عنصر اساسی برای عدم تحقق صلح و حقوق بشر عمل می‌کنند. این در حالی است که هر چه جامعه بین‌المللی به دنبال تقویت حقوق بشر مردم باشد باید بتواند برای مهار خشونت و حل‌وفصل مسالمت‌آمیز درگیری‌ها بیشتر اقدام کن. بنابراین جهان مسلح امکان بروز عملیات صلح پایدار را نخواهد داد بلکه تلاش‌ها باید معطوف به بازگرداندن صلح پس از درگیری‌ها شود. این امر به‌منزله افزایش هزینه‌های مالی، زمانی و تکنیکی افراد، گروه‌ها، دولت‌ها و حتی سازمان ملل برای استقرار صلح و امنیت نسبتاً پایدار است و بدون شک مسدودسازی مجاری ترغیب‌کننده خشونت راهی برای کنترل و مهار تنش‌ها و صلح‌سازی است.

تجارت بین‌المللی تسلیحات را می‌توان مجرای دانست که به‌راحتی می‌تواند مسیر صلح دچار ناهمواری و چالش سازد. در بسیاری از موارد تبعات این تجارت به نقض حقوق بشر و آسیب‌های بشردوستانه در سراسر جهان منجر می‌شود. طرح معمای امنیت و خودیاری و منافع ملی نیز زمینه مناسبی را نشان می‌دهد که دولت‌ها با نگاه وضع طبیعی به عرصه بین‌الملل یا ایجاد نظم داخلی از سیاست میلیتاریستی حمایت کنند. به‌غیراز آنکه امروزه تنها مصرف‌کنندگان تجهیزات نظامی دولت‌ها نبوده و از افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و بازیگران متعدد تشکیل شده است. وجود بازیگران غیردولتی



مسلح نیز بیانگر آن است که مسئله صلح و تسلیحات در اقصی نقاط جهان منشأ درگیری‌ها، تنش‌ها و خشونت‌های مسلح است. از همین رو موضع اینکه این بازیگران چگونه و به چه طریقی مسلح می‌شوند و چرا اقدامات دولتی و جهانی نمی‌تواند مانع مسلح شدن آن‌ها شود یکی از مهم‌ترین مسائل مربوط به صلح و امنیت در این پژوهش است. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری با اسناد کتابخانه‌ای و سایت‌های معتبر به دنبال پاسخ به این پرسش است که پویایی تسلیحات بر صلح جهانی و دلایل ضعف مقابله با آن است؟ فرضیه پژوهش این است که عوامل کنش-واکنش، عوامل داخلی و یا فنی بر تولید و تجارت تجهیزات نظامی و تضعیف صلح جهانی تأثیر گذاشته و دلایل ضعف مقابله به سبب خلأ قانونی، وجود فساد در این بازار، راهبرد سیاسی انتقال تسلیحات است.

### چارچوب مفهومی

پویایی تسلیحاتی به مجموعه‌ای از فشارها و عواملی که دولت‌ها را مجبور میکند تا نیروی نظامی جدیدی به دست آورده و از طرف دیگر کمیت و کیفیت نیروهای سابق را ارتقا دهند گفته می‌شود. مفهوم پویایی تسلیحاتی به دودسته پویایی تسلیحاتی اولیه و ثانویه تفکیک می‌شوند. مفهوم پویایی تسلیحاتی اولیه به مجموعه‌ای از فشارهای وارده بر تولیدکنندگان عمده تسلیحات گفته می‌شود که آن‌ها را به ایجاد نیروی نظامی بیشتر هدایت می‌کند. مفهوم پویایی تسلیحاتی ثانویه به مجموعه‌ای از فشارها بر کشورهای واردکننده تسلیحات اطلاق می‌شود که وابستگی بسیار زیادی به واردات تسلیحات و جنگ‌افزارهای نظامی داشته و در برابر فشارهای بیرونی از آسیب‌پذیری بیشتری برخوردارند. تاکنون تلاش‌های متعددی انجام گرفته تا فرایند تحرک پویایی تسلیحات را به یک نظریه تبدیل کند اما آن‌ها اغلب از لحاظ تمرکز بر عوامل کنش-



واکنش، عوامل داخلی و یا شرایط صرفاً فنی با یکدیگر متفاوت هستند. الگوی کنش-واکنش براین اصل اساسی استوار است که بازیگران، کمیت و کیفیت نیروهای نظامی خود را به دلیل افزایش دشمنی و مخالفت‌های بالقوه ارتقا می‌بخشند. فشار وارده بر دولت‌ها برای انجام چنین عملی ریشه در موضوع پیچیده امنیت دارد که طی آن هر اقدامی از طرف دولت‌ها برای دفاع از خود، تهدیدی بالقوه از طرف دیگر دولت‌ها در نظر گرفته می‌شود. تبیین‌های مربوط به عوامل داخلی را در چهار دسته‌بندی می‌توان بیان کرد: ۱- تبیین اداری/سازمانی: تولیدات دفاعی به‌عنوان نتایج سیاست‌های اداری و فرهنگ سازمانی است، ۲- تبیین‌های سیاسی: روش‌های سیاستمداران برای افزایش هزینه‌های دفاعی و سرمایه‌گذاری انتخاباتی پیمانکاران دفاعی یا مصوبه‌های مجلس، ۳- تبیین اقتصادی: این تبیین شیوه و روش مختلف دارد و شامل حمایت از مشاغل و یا امری مسلم در نظام سرمایه‌داری و ۴- جنبه‌های پیچیده نظامی-صنعتی. در نهایت تبیین فنی نیز بر توسعه مداوم فناوری تسلیحاتی تأکید دارد و این نکته که گسترش فناوری برای شرکا چه از نظر آموزش و چه فروش تجاری مناسب است (کالینز، ۱۳۹۲: ۲۹۱-۲۹۶).

## الف) تأثیر پویایی تسلیحات بر صلح جهانی

### الگوی کنش-واکنش

رابطه بین اقدام برای تقویت قدرت نظامی و تأمین امنیت برای یک کشور وجود دارد. به نظر برخی محیط آنارشیک نظام بین‌الملل باعث می‌شود دولت‌ها سیاستشان بیشینه‌سازی قدرت باشد چراکه معتقدند نبود قدرت کافی امنیت و بقاء آن‌ها را تهدید خواهد کرد. هرچند برخی از دولت‌ها به این دلیل که ممکن است افزایش قدرت هزینه‌های زیادی را متحمل خواهد شد یا توانایی این کار را ندارند صرف‌نظر می‌کنند. آنارشی از دیدگاه واقع‌گرایان به‌ویژه واقع‌گرایان تهاجمی بسیار عامل مهمی در تقویت



قدرت نظامی به شمار می‌آید چراکه دولت در محیطی کاملاً هابزی قرار گرفته و امنیت در این محیط نادر محسوب می‌شود. قدرت‌ها به دنبال حداکثر رسیدن قدرت خویش گام برمی‌دارند (مشیر زاده، ۱۳۹۴: ۱۳۰). این نظر به معنای آن است که احتمال وقوع جنگ همواره وجود دارد و هیچ‌گاه به میزان آرام بخشی تنزل نمی‌کند و تنها قدرت است که می‌تواند از خطر افزایش وقوع جنگ توسط حریف جلوگیری می‌کند و در صورت وقوع مانع شکست در جنگ شود. در صورتی که نظام سیاسی کشوری دارای ایدئولوژی تند، متعصبانه و تهاجمی باشد نیز می‌توان آن دولت را تهاجمی دانست و غالباً تحصیل امنیت توسط چنین دولت‌های بی‌اعتمادی، همسایگان را بر خواهند انگیزت (عبداله خانی، ۱۳۸۹: ۸۲-۸۹).

تسلط تفکر تهاجمی علاوه بر آنکه رقابت تسلیحاتی و بی‌اعتمادی را افزایش می‌دهد منجر به بروز زمینه‌های مستعد برای خطا و سو تفاهات خواهد شد و ممکن است به جنگی ناخواسته بینجامد. زمانی که کشوری با یکی از همسایگانش درگیری سیاسی دارد و دکترین امنیتی خود را با راهکار تهاجمی سازمان‌دهی کرده است برایش دشوار است که درباره امنیت خود اطمینان حاصل کند. با توجه به چنین جو سیاسی تردید برانگیزی، گسترش سلطه تفکر تهاجمی، بخصوص وقتی در آن تحلیل بدترین وضعیت منعکس شده باشد می‌تواند باعث بزرگنمایی تعارضها گردد و وخامت معضل امنیتی را شدت بخشد (همان: ۷۵-۷۴). در چنین شرایطی بازیگر به دنبال افزایش هزینه‌های نظامی و تقویت توان تهاجمی خود علیه بر خواهد آمد. به‌طور کلی تنگناهای امنیتی شامل اقدام دفاعی و تقویت بنیه دفاعی برای مقابله با تهاجم دشمن نیز است از همین رو برای جلوگیری از حمله پیش‌دستانه و ضمانت امنیت اقدام به خرید نظامی می‌کند. در این زمینه ممکن است که برخی اقدامات ضد دولتی توسط تنها بازیگران دولتی رخ ندهد بلکه گروه‌ها و تشکیلات غیردولتی نیز مبادرت به اقدام نظامی کنند چنانچه داعش به‌مثابه یک گروه تروریستی بین‌المللی توانست در



اقصى نقاط جهان دست به اقدامات نظامی بزند. از همین رو در الگوی کنش-واکنش بروز خشونت و جنگ ناشی از تداوم و استمرار بازیگرانی است که به‌عنوان محرک یا پاسخ‌دهنده دست به اقدام نظامی می‌زنند. این مسئله زمینه مساعدی برای تجارت و صرف هزینه‌های نظامی می‌کند.

## ۲- عوامل داخلی

### ۲-۱ تبیین اداری/سازمانی

گفتنی است که به‌غیر از مجاری رسمی تصمیم‌گیری در خصوص اتخاذ راهبرد جنگ توسط دولت‌ها یا سیاست‌گذاران شبکه‌ای از اندیشکده‌ها و مؤسسات امنیتی نیز در مراکز اصلی تصمیم‌گیری سیاست‌ها دخالت دارند که از افراد متعدد طرفدار جنگ نیز تشکیل شده‌اند که سیاستمداران و مقامات را تحت تأثیر قرار می‌دهند. گروه فشاری با نفع مشترک اقتصادی باهدف و تفکر نظامی شامل مجموعه‌ای روابط بین عناصر دولت و بازار هستند که منافع عمومی را در جهت نفع خود تحت تأثیر قرار می‌دهند از طرفی زیرساخت تفکری این مجموعه‌های امنیتی تفکر نظامی‌گری است. در سوی دیگر در ساخت سیاسی-اقتصادی برخی جوامع توسعه‌یافته صنعتی رابطه بسیار معناداری بین مجموعه‌ای از تولیدکنندگان اسلحه، الیگارش‌های مسلط مالی جامعه، رسانه‌ها، روزنامه‌نگاران و روشنفکران با بخش‌هایی از درون حاکمیت چون نظامیان و سیاستمداران وجود دارد. امنیت‌سازی، که بر اساس منطق امنیتی-نظامی ساخته شود به‌عنوان مکانیسمی نیز است که باعث ایجاد ترس از نظر تهدیدها و دشمنان احتمالی می‌شود و تمامی این عوامل زمینه آن را می‌سازد که پویایی تسلیحات خروجی جلسات و تصمیمات اداری و سازمانی باشد (شهنازی، ۱۳۹۴: ۳۶). در همین بستر انواع لشکرکشی‌ها و یا ایجاد مناطق امنیتی، وجود دشمن بالقوه، حمایت از برخی گروه‌ها یا دولت‌ها، درجه و شدت امنیت و منافع ملی تئوریزه می‌گردد.



## ۲-۲ تبیین سیاسی:

در تبیین سیاسی موارد متعددی را می‌توان ذکر کرد از جمله مفاهیم در این حوزه «دیپلماسی نظامی»، «دیپلماسی دفاعی»، «قدرت نرم توان نظامی»، «دیپلماسی عمومی نظامی» و «ارتباطات استراتژیک» است که به ارتش اجازه می‌دهد تا بر سیاست خارجی تأثیر مستقیم داشته باشد. اگرچه دیپلماسی به معنای سنتی مأموریت وزارت امور خارجه نیست، روابط نظامی بین کشورها پایه‌ای را ایجاد می‌کند که بر اساس آن ارتباطات بیشتر بین کشورها ایجاد شود (Brookings, ۲۰۱۹). به‌طور گسترده اعتقاد بر این است که انتقال تسلیحات ابزاری قوی برای دولت‌ها برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی و وابستگی امنیتی کشورها است. آکرمن و سیم<sup>۱</sup> در مطالعه خود در مورد رابطه بین رژیم‌های سیاسی و تجارت اسلحه استدلال می‌کنند که دولت‌ها تمایل به تجارت اسلحه در روابط سیاسی خود دارند یعنی دموکراسی‌ها در انتقال تسلیحات طرفدار دموکراسی هستند و درعین حال حکومت‌های استبدادی اسلحه بیشتری را با دیگر حکومت‌های خودکامه مبادله می‌کنند (Chou, ۲۰۲۳). در این راستا اگر آنچه را که تئوری صلح دموکراتیک به ما می‌گوید در نظر بگیریم، به این نتیجه می‌رسیم که شاید در ابتدا به نظر برسد تجارت سلاح با دولت‌هایی با نوع رژیم انتقاد زیادی نخواهد داشت ثانیاً تجارت اسلحه از نظر برخی تهدید صلح نیست بلکه کمک به استقرار صلح از طریق توازن قوا برای ایجاد ثبات است. با این حال آنچه گفتنی است بر صادرات تسلیحات به کشورها نه با نیت صلح‌سازی بلکه سیاستی برای دوست‌یابی در سطح بین‌المللی و تحکیم اتحادهای بین‌المللی قوی مورد تأکید است. از سوی دیگر تجارت اسلحه در زمانی که برای بهم زدن توازن قوا و شکل دادن به رقابت تسلیحاتی، تقویت بازیگران غیردولتی و ایجاد بحران در داخل کشور با رویکرد صلح‌طلبانه انجام نمی‌شود.

1 Akerman and Seim



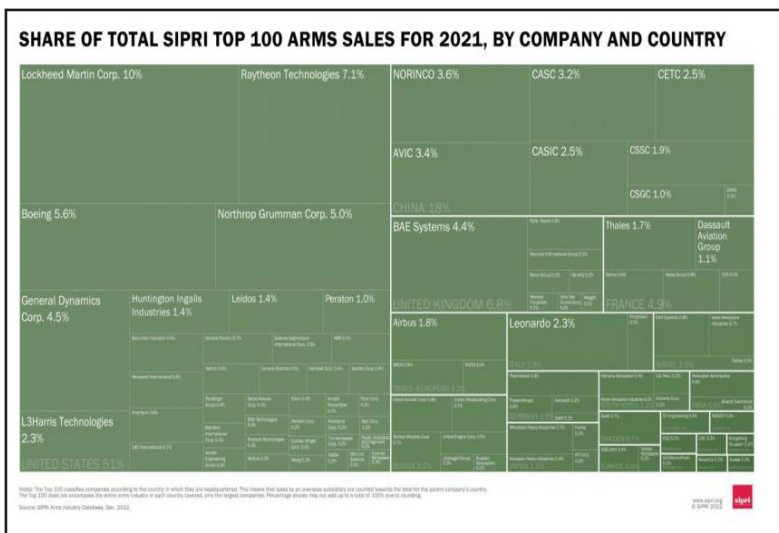
## ۲-۲ تبیین اقتصادی:

برآورد سال ۲۰۲۲ نشان می‌دهد فروش تسلیحات و خدمات نظامی توسط ۱۰۰ شرکت بزرگ در صنعت به ۵۹۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ رسید که در مقایسه با سال ۲۰۲۰ به صورت واقعی ۱,۹ درصد افزایش داشت. این بر اساس داده‌های موسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم (SIPRI) فروش تسلیحات ۴۰ شرکت آمریکایی در فهرست در سال ۲۰۲۱ در مجموع به ۲۹۹ میلیارد دلار رسید. آمریکای شمالی تنها منطقه‌ای بود که در مقایسه با سال ۲۰۲۰ شاهد کاهش فروش تسلیحات بود. کاهش ۰,۸ درصدی واقعی تا حدی به دلیل تورم بالا در منطقه بود. اقتصاد ایالات متحده در سال ۲۰۲۱ از سال ۲۰۱۸، پنج شرکت برتر در ۱۰۰ شرکت برتر همگی در ایالات متحده مستقر هستند. در سال ۲۰۲۱، ۲۷ شرکت برتر در اروپا مستقر بودند. فروش تسلیحات ترکیبی آن‌ها در مقایسه با سال ۲۰۲۰ ۴,۲ درصد افزایش یافته و به ۱۲۳ میلیارد دلار رسیده است. مجموع فروش تسلیحات ۲۱ شرکت در آسیا و اقیانوسیه که در ۱۰۰ شرکت برتر گنجانده شده‌اند در سال ۲۰۲۱ به ۱۳۶ میلیارد دلار رسید که ۵,۸ درصد بیشتر از سال ۲۰۲۰ است. هشت شرکت تسلیحاتی چینی موجود در فهرست، مجموع فروش تسلیحات ۱۰۹ میلیارد دلاری داشتند که ۶,۳ به ازای هر شرکت است. شش شرکت روسی در ۱۰۰ شرکت برتر سال ۲۰۲۱ گنجانده شده‌اند. فروش تسلیحات آن‌ها بالغ بر ۱۷,۸ میلیارد دلار بوده است که تنها ۰,۴ درصد نسبت به سال ۲۰۲۰ افزایش داشته است. نشانه‌هایی وجود داشت که رکود در صنعت تسلیحات روسیه گسترده است. پنج شرکت برتر مستقر در خاورمیانه ۱۵,۰ میلیارد دلار فروش تسلیحات در سال ۲۰۲۱ به دست آوردند. این افزایش ۶,۵ درصدی در مقایسه با سال ۲۰۲۰ بود که سریع‌ترین سرعت رشد در بین تمام مناطقی است که در ۱۰۰ منطقه برتر حضور دارند. مجموع فروش تسلیحات چهار ۱۰۰ شرکت برتر مستقر در ژاپن ۹,۰ میلیارد دلار بود که در مقایسه با سال ۲۰۲۰ ۱,۴ درصد کاهش





داشت. این اولین سالی است که یک شرکت تایوانی در بین ۱۰۰ شرکت برتر ظاهر می‌شود. NCSIST (رتبه ۶۰) که در زمینه موشک و الکترونیک نظامی تخصص دارد، فروش تسلیحات ۲,۰ میلیارد دلاری را در سال ۲۰۲۱ به ثبت رساند. شرکت‌های سهامی خاص در صنعت تسلیحات به‌ویژه در ایالات متحده فعال‌تر می‌شوند. این می‌تواند بر شفافیت داده‌های فروش تسلیحات تأثیر بگذارد، زیرا الزامات گزارشگری مالی سخت‌گیرانه‌تر در مقایسه با شرکت‌های دولتی است (Sipri, ۲۰۲۲). در ادامه جدول صد شرکت متعلق به کشورها که در فروش تسلیحات جهانی نقش دارند آورده شده است:



منبع: (Newsclick, ۲۰۲۲).

## ۲-۴ جنبه مجتمع نظامی-صنعتی:

بخشی از دلیل شکل‌گیری مجتمع‌های نظامی-صنعتی را این‌گونه می‌توان بیان کرد که بین تولیدکنندگان امنیت و مصرف‌کنندگان امنیت یک انطباق بخشی در حوزه ابزارهای نظامی ایجاد شود. براین اساس مجتمع‌های نظامی-صنعتی در شرایطی امکان رشد بیشتری می‌توانند داشته باشند که تهدیدات امنیتی وجود داشته باشد و در همین راستا یک تطابق‌هایی برای رفع تهدیدات امنیتی در حوزه ابزارهای نظامی شکل می‌یابد.



دلیل دیگر برای شکل‌گیری این مجتمع‌ها وجود تهدید امنیتی یا باور به آسیب‌پذیری امنیتی نظامی است. در واقع اصل شکل‌گیری این مجتمع‌ها در پاسخ به تهدیدهای امنیتی است. همچنین ضرورت‌های دفاعی یک کشور و تأمین امنیت آن را باید مورد توجه قرارداد (شکوهی آذر و گیوکی، ۱۳۹۰: ۱۸۳). نفوذ این مجتمع‌ها به نظر می‌رسد فراتر از رفع تهدید و امنیت بوده است به طوری که آیزنهاور رئیس‌جمهور آمریکا در ۱۹۶۱ در سخنرانی خداحافظی ریاست جمهوری اولین بار پیوند عمیق میان نظامیان با صاحبان صنایع را تشخیص و عواقب آن را به ملت آمریکا هشدار داد و گفت: "ما باید در مقابل نفوذ بی‌حد و حصر و غیرقانونی مجتمع‌ها (نظامی-صنعتی) که آگاهانه یا ناآگاهانه اعمال می‌شود بیدار باشیم... ما نباید اجازه دهیم که مجتمع‌های نظامی -صنعتی آزادی و نظام دموکراتیک ما را در معرض خطر جدی قرار دهد. با این سخنرانی تاریخی تحلیل و تحقیق دقیق‌تر نسبت به توسعه پدیده مجتمع‌های نظامی-صنعتی و نقش این پدیده را در روند سیاست خارجی -امنیتی کشورهای سرمایه‌داری، میزان نفوذ آن در دستگاه‌های اداری و اجرایی و دولت و به هم زدن صلح و امنیت مورد توجه قرار گرفت (صادقی و رحیمی، ۱۳۹۴: ۱۶۰). بر این اساس به اذعان خود سیاستمداران آمریکا وجود مجتمع‌های نظامی -صنعتی، توانسته با تأثیر بر فرایند طراحی استراتژیک ایالات متحده، آن را متأثر از منافع و خواسته‌های خود کند. «آلین آنتون» معاون اسبق وزارت دفاع این کشور، در این رابطه معتقد است که برای تنظیم نیازمندی‌های نظامی در سطح استراتژیک چیزی به اسم نیازهای واقعی همراه با هزینه‌ها و مخاطرات گوناگون بر چرخه طراحی استراتژیک تحمیل می‌شوند. هانیتگتون نیز معتقد است که نیروهای مسلح در آمریکا مایلند با قرار دادن کنگره و دولت در برابر هم برای سازمان خود امتیازاتی را کسب کنند. (سلیمی بنی، ۱۳۹۲: ۱۶۵). در این راستا هدف بازار مجتمع‌های نظامی نه تنها خود دولت آمریکا برای تقویت قدرت نظامی، عملیات میلیتاریستی، تقویت نظامی برای مقابله با تهدیداتی چون کمونیسم و تروریسم بلکه گسترش بازار از طریق نفوذ بر سیاست خارجی و فروش نظامی برای بسیاری از کشورهای جهان به‌ویژه کشورهای است که ناچارند با تکیه بر



منابع تسلیحاتی در برابر تهدیداتی که امنیت ملی آن‌ها را هدف قرار داده، مقابله کنند؛ پس از یازده سپتامبر سیاست تهاجمی آمریکا محصول نفوذ جریان مجتمع نظامی-صنعتی بود. به سبب افزایش منافع این مجتمع‌ها آن‌ها کماکان بر ادامه روند جنگ‌ها و اعزاز و فشار حضور سربازان آمریکایی در مناطق درگیر و همچنین حضور نظامی مستقیم در برخی از کشورها مانند سوریه و عراق اصرار داشتند. موضوعی که به افزایش هزینه‌های نظامی آمریکا و تولید بیشتر انواع تسلیحات کمک می‌کند. در تداوم این روند باراک اوباما سیاست خارجی جنگ‌طلبانه آمریکا را با ارائه مدلی تحت عنوان جنگ نیابتی در سوریه و عراق تداوم بخشید. وی که با شعار محمد سازی اقدامات نظامی و یادآوری سخنان آیزنهاور در خصوص نفوذ جریان مجتمع نظامی-صنعتی بر سرکار آمد خود مبدع روشی گردید که به استمرار افزایش درآمدهای شرکت‌های تسلیحاتی کمک کند این سبک در دوره ترامپ نیز ادامه یافت و یمن نیز به واسطه عربستان سعودی و برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس آماج حملات نظامی قرار گرفت (موسوی و عادل، ۱۴۰۱:۱۹۲).

مهمترین مجتمع‌های نظامی - صنعتی آمریکا

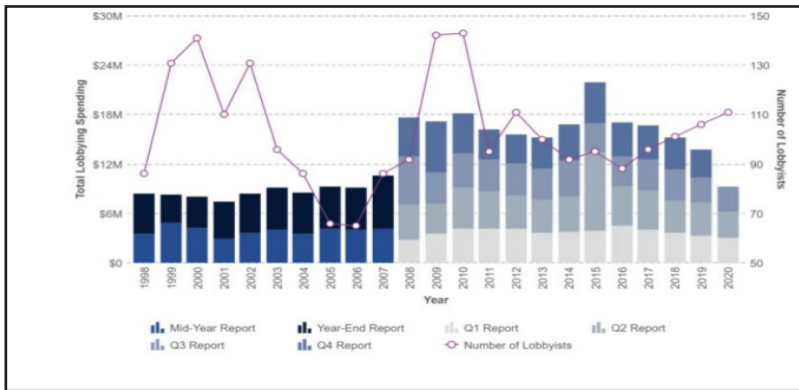
ردیف	شرکت	سال تاسیس	تعداد کارگر
۱	لاکهد مارتین	۱۹۹۵	۱۱۲۰۰۰
۲	بوئینگ	۱۹۱۶	۱۶۲۲۹۰
۳	نورث گرومن	۱۹۹۴	۶۸۱۰۰
۴	جنرال دینامیک	۱۸۹۹	۹۲۲۰۰
۵	رایتون	۱۹۲۲	۶۳۰۰۰
۶	ال ۳ مامبو نیکشتر	۱۹۹۷	۴۸۰۰۰ <sup>(A)</sup>
۷	ساینس کامپیوتر	۱۹۵۹	۷۲۰۰۰
۸	هانی ول	۱۹۰۶	۱۲۷۰۰۰
۹	جنرال الکترونیک	۱۹۸۹	۳۰۵۰۰۰
۱۰	پرت و ویتنی	۱۹۲۵	۱۰۰۰۰۰
۱۱	کالوگ برون و روت	۱۹۰۱	۲۷۰۰۰
۱۲	یو آراس کورپ	۱۹۵۱	۵۶۰۰۰
۱۳	تکنوسیتماهای هم پیمان	۱۹۹۰	۱۶۰۰۰
۱۴	شرکت‌های راکول	۱۹۳۳	۲۰۰۰۰
۱۵	تکسترون	۱۹۲۳	۳۲۰۰۰
۱۶	هیولت-پکارد	۱۹۳۹	۳۰۲۰۰۰
۱۷	مانچ بین‌المللی	۱۹۶۸	۱۰۰۰۰
۱۸	نورستر دینسی	۱۹۰۲	۱۶۵۰۰
۱۹	دین گورپ ایتر نشنال	۱۹۴۶	۱۶۸۰۰
۲۰	سی آی سی آی	۱۹۶۲	۱۳۱۰۰

منبع: (عطا نژاد، ۱۳۹۵:۴۰)



لاکهد مارتن، نورثروپ گرومن و بوئینگ علاوه بر اینکه بزرگ‌ترین پیمانکاران نظامی در جهان هستند، بزرگ‌ترین شرکت‌های تولید کننده تسلیحات در جهان نیز هستند. این پیمانکاران قدرت لابی و هزینه دارند برای مثال در ادامه نمودار لابی بوئینگ آمده است:

نمودار سالانه لابی بوئینگ



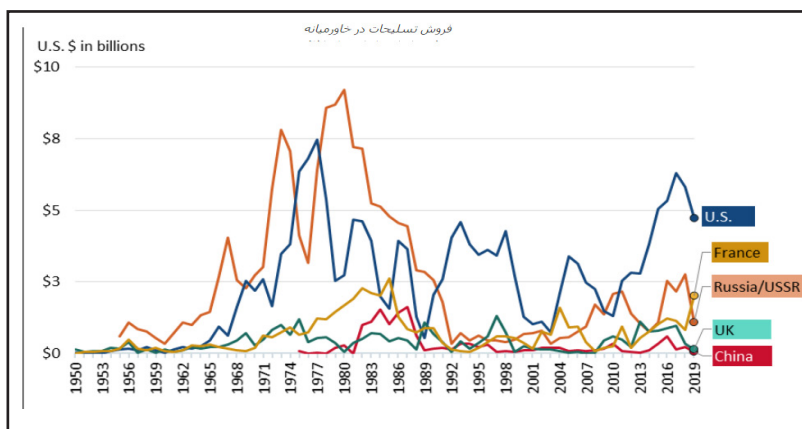
در سال ۲۰۲۰، کل هزینه‌های لابی ۹،۲۹۰،۰۰۰ دلار است، بدون احتساب سه‌ماهه چهارم. ۸۳ نفر از ۱۱۱ لابی کننده در بوئینگ افرادی هستند که قبلاً کارمندان دولت بودند و اکنون به بخش لابی تبدیل شده‌اند و از تماس‌های داخلی خود برای ایجاد سیاست استفاده می‌کنند. اکنون به عنوان مدیر ستادی در کمیته بازرگانی، علم و حمل‌ونقل سنا فعالیت می‌کند. «کمک‌های بوئینگ به گروه‌های عمده دموکرات و جمهوری خواه، از جمله صندوق رهبری سنا، اکثریت سنا، و هر دو کمیته ملی دموکرات و جمهوری خواه نیز بوده است (Cartiglia, ۲۰۲۱:۲۸).

## شرایط فنی

یکی از مسائلی که موجب می‌شود کشورها به تقویت سیاست‌های میلیتاریستی



بپردازند رقابت بر سر مسائل فناوری و بروز کردن آن‌ها است در این سیاست تلاش می‌شود که کشورها و شرکت‌ها با نمایش قدرت تکنولوژی گوی سبقت را از دیگران برابند. تلاش برای فروش تجهیزات پیشرفته به کشورها و مسابقه تسلیحاتی با همسایگان یا رقبا از عوامل رشد بازار فروش تسلیحات است که شامل انواع سامانه‌های پدافندی، جنگنده، رادار، تانک، موشک‌های دروبرد، ناوهای جنگی و ... است. نمونه آن را می‌توان در فروش تجهیزات پیشرفته یا هواپیماهای رادار گریز در منطقه خاورمیانه مشاهده کرد.



(۲۰۱۷, Everycrsreport)

از منظر «انکار استراتژیک»، به نظر می‌رسد فروش ایالات متحده به تقویت روابط با برخی از خریداران از طریق تامین نیاز تجهیزات و آموزش موجب می‌شود تا ایالات متحده نسبت به رقبای استراتژیک مانند روسیه یا چین برتری یابد. برای دهه‌ها، مقامات دولت‌های متوالی همان استدلال ترامپ در نوامبر ۲۰۱۸ را دارند. ترامپ گفت «اگر ما احتمالاً این قراردادها [با عربستان سعودی] را لغو کنیم، روسیه و چین از منافع بزرگی برخوردار خواهند بود» (Everycrsreport, ۲۰۱۷). بدون شک مزیت تجهیزات یک صادرکننده برای واردکننده موجب رقابت در بخش فنی تولید کنندگان صلاح خواهد شد.



## (ب) تأثیرات تجارت اسلحه و جنگ بر حقوق بشر

باید گفت در طول تاریخ اقداماتی که قدرت‌های بزرگ در جهت کسب منافع ملی خودکرده‌اند بیشتر دارای ماهیت نظامی بوده است. با این حال رفته‌رفته منافع این کشورها ایجاب می‌کند که با تاسیس پایگاه‌های نظامی یا تقویت قدرت نظامی از آن‌ها در برابر دشمنان دفاع کنند.

امروزه تقریباً تمامی کشورهای جهان با انواع سلاح‌ها چه در سطح دولتی و چه غیر دولتی به سلاح دسترسی دارند. برخی از آن‌ها از نقل و انتقالات قانونی سرچشمه می‌گیرند و بسیاری از آن‌ها بخشی از تجارت غیرقانونی را تشکیل می‌دهند. تجارت تسلیحات باعث بی‌ثباتی کشورهای ازم‌گسسته شده و توسعه را در این کشورها دشوار ساخته است. وجود گروه‌ها و رانت‌های متعدد موجب تمایز بین استفاده برای مقاصد نظامی و جنایی می‌شود. تجارت بین‌المللی تسلیحات بستری برای درگیری‌های مسلحانه است که باعث رنج‌های انسانی عظیم می‌شود. در این میان نقض صلح و حقوق بشر امری مسلم به نظر می‌رسد. بر اساس گزارش یونیسف در درگیری‌های نظامی بخش عمده‌ای از قربانیان غیرنظامیان، به‌ویژه زنان و کودکان هستند گرا سا ماشلدر در این زمینه اظهار داشته است که «جنگ‌ها همیشه کودکان و سایر غیرجنگجویان را قربانی می‌کنند، اما جنگ‌های مدرن بیش از همیشه کودکان را استثمار، معلول و کشته می‌کنند.» تبعات جنگ و خشونت که به نقض حقوق بشر منجر می‌شود شامل محرومیت از غذا، گسترش بیماری اختلال در سیستم‌های بهداشت عمومی، آسیب روانی و عاطفی (از جمله اینکه دو سوم کودکان آنگولا شاهد قتل بوده‌اند)، جدایی خانواده‌ها (مثلاً در سال ۱۹۹۵، ۲۰ درصد از کودکان آنگولا از خانواده خود جدا شدند)، از دست دادن تحصیل، سوء استفاده جنسی، نسل‌کشی اقلیت‌های قومی، کودک ربایی، شکنجه و برده‌داری و حتی کودک‌سربازی (برای مثال در سال ۱۹۹۸



حداقل ۳۰۰۰۰۰ کودک زیر ۱۸ سال سرباز بودند) را منجر می‌شود (Southall, ۲۰۰۲). به گفته دانشگاه اوپسالا ۵۰ ساله درگیری مسلحانه در سال ۲۰۱۹ باعث مرگ بیش از ۱۵۰۰۰۰ نفر در جنگ شده است. با این حال باید به طور کلی بیان داشت که درگیری‌های مسلحانه دو ویژگی اصلی دارند. آن‌ها به برنامه‌ریزی و سازماندهی قابل توجهی نیاز دارند و همیشه به ابزار سلاح نیاز دارند. اگرچه تسلیحات یا ارتش‌ها، شرکت‌های نظامی خصوصی یا انواع مختلف گروه‌های مسلح همیشه باعث ایجاد جنگ نمی‌شوند، اما این امر با بیش از ۲۷ میلیون سرباز، شبه نظامی، مزدور و چریک‌ها و سایر جنگجویان غیردولتی می‌تواند رخ دهد. همچنین محتمل نیست که بدون تباری بین سازندگان اسلحه و سیاستمداران، که رابطه نزدیک آن‌ها در به اصطلاح در گردان، که به موجب آن افسران عالی رتبه سابق نظامی به هیئت مدیره و مدیریت صنایع نظامی می‌پیوندند، جنگ و نقض حقوق بشر در کنار یکدیگر بکار نروند (Longreads, ۲۰۲۱) در ادامه به دلایل ضعف مقابله با تجارت اسلحه پرداخته خواهد شد.

### **پ) دلایل ضعف مقابله با تجارت اسلحه در جهان**

در ادامه به سه دلیل عمده ضعف مقابله با پویایی تسلیحات پرداخته خواهد شد که عبارتند از: ۱- ضعف مقابله قانونی؛ ۲- وجود فساد در این بازار و ۳- راهبرد سیاسی انتقال تسلیحات.

#### **۱- ضعف مقابله قانونی**

ضعف مقابله قانونی با پویایی تسلیحات عامل بسیار مهمی در گسترش تسلیحات در جهان دارد. سازمان ملل از دهه ۱۹۹۰ تاکنون موفقیتی در مذاکره بر سر توافقنامه چندجانبه کنترل تسلیحات مشاهده نکرده است. در حالی که منشور ملل متحد (ماده



۵۱) تاکید می کند که کشورهای عضو سازمان ملل حق دفاع شخصی و جمعی دارند و مفهوم دفاع، حداقل به طور محدود، برداشتن توانایی نظامی و تمایل به استفاده از نیروی مسلح استوار است. تعداد بسیار کمی از کشورها دارای ظرفیت دفاعی-صنعتی برای تولید داخلی همه نوع تجهیزات اعم از خودروهای زرهی، هواپیماهای جنگی، یا جنگنده‌های سطحی یا زیرسطحی یا در هر پنج حوزه: هوا، زمین، دریا، سایبر و فضا قادر هستند. در نتیجه به واردات خارجی روی می‌آورند. تجارت جهانی تسلیحات در سال ۲۰۱۹ ارزش تخمینی ۱۱۸ میلیارد دلار داشت و بزرگ‌ترین صادرکننده تسلیحات ایالات متحده با بیش از ۵۰ درصد فروش بود (IISS, ۲۰۲۲).

در سوی دیگر ایزومی ناکامیتسو<sup>۱</sup>، معاون دبیر کل سازمان ملل و نماینده عالی امور خلع سلاح، مشاهده کرد که انتقال غیرقانونی و غیرقانونی تسلیحات می‌تواند باعث تحریک، دامن زدن و طولانی شدن درگیری، خشونت مسلحانه، تروریسم و جنایت شود. بی‌ثبات کردن کل مناطق؛ کمک به نقض حقوق بشر و فعال کردن آن؛ و منجر به نقض تحریم‌های تسلیحاتی شود. برای پاسخ به چنین خطراتی، او تعدادی معاهدات، موافقت‌نامه‌ها و چارچوب‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و دوجانبه کنترل تسلیحات را برشمرد که توسط دولت‌ها برای جلوگیری و ریشه‌کن کردن تجارت غیرقانونی و انحراف سلاح‌های متعارف، تنظیم تجارت بین‌المللی تسلیحات و ارتقای شفافیت در سلاح‌ها ارائه شده است (Press, ۲۰۲۳). اما این پیشنهادات به صورت فراگیر مورد اجرا قرار نمی‌گیرد. با این حال اگرچه پیشنهادات جهانی مثل زمانی که فروش سلاح گرم به غیرنظامیان در یک همه‌پرسی در اکتبر ۲۰۰۵ شکست خورد ولی اقدامات محلی در ایجاد فضاهای بدون سلاح موثر است به عنوان مثال، در جزایر سلیمان، یک طرح روستای بدون سلاح به عنوان بخشی از مجموعه‌ای از ابتکارات برای جمع‌آوری سلاح و حمایت از صلح معرفی شد و در فیلیپین از سال ۲۰۰۳ اسلحه در انظار عمومی ممنوع

1 IZUMI NAKAMITSU





شده است. تحت یک برنامه در سیرالئون، هنگامی که روسای شرکت کننده فاقد سلاح شناخته شدند، ۲۰۰۰۰ دلار و پروژه‌های توسعه‌ای مانند ساختن چاه‌های آب، مدارس، مراکز بهداشتی و غیره داده شد. این برنامه به طور قابل توجهی موفق بوده است و نشان می‌دهد که حضور آشکار یک فرهنگ محلی اسلحه ممکن است این واقعیت را رد کند که اغلب خشونت تغییرناپذیر نیست (Cooper, ۲۰۰۷).

اقدام قانونی نیاز به ارزیابی ریسک همه نقل و انتقالات تجهیزات دارد که می‌تواند به نقض حقوق بشر و نقض حقوق بین‌الملل حقوق بشر، از بین بردن کنترل دموکراتیک و غیرنظامی بر ارتش، دامن زدن به فساد، تحریک تجاوز، کمک کند. لازم است به علاوه نظارت بر انتقال تسلیحات و مسابقات تسلیحاتی یا در معرض انتقال غیرمجاز به اشخاص ثالث برای جنگ نیابتی تشدید شود و برای جلوگیری از گسترش بیشتر جنگ تضاد منافع نهادی در شورای امنیت باید پایان یابد. سازمان ملل باید یک نهاد دائمی برای تحقیق در مورد منبع و استفاده از تسلیحات جنگی ایجاد کند تا از رعایت قوانین جنگ مسلحانه و منشور سازمان ملل اطمینان حاصل کند. اگر شورای امنیت نتواند یا نخواهد این کار را انجام دهد، مجمع عمومی باید امکان ایجاد یک نهاد نظارتی را بررسی کند. بر اساس منشور سازمان ملل، مجمع عمومی می‌تواند «هر موضوعی را که به صلح و امنیت بین‌المللی مربوط می‌شود، مورد بحث قرار دهد و به استثنای مواردی که اختلاف یا وضعیتی در حال حاضر توسط شورای امنیت مورد بحث است، توصیه‌هایی در مورد آن ارائه کند» (Justsecurity, ۲۰۲۰).

در این میان هرچند سازمان‌های غیردولتی برای شناسایی منابع تسلیحات درگیری تلاش زیادی می‌کنند، اما به دلیل امتناع دولت‌ها از ارائه اطلاعات لازم و عدم پیگیری شورای امنیت، مانع کار آنها می‌شود. برای مثال، شورای امنیت دستور داد که طرف‌های متخاصم در یمن سوابق خود را با هیئت کارشناسی که برای بررسی حملات هوایی غیرقانونی بالقوه تأسیس کرده است، به اشتراک بگذارند. با این حال،



پس از اینکه پادشاهی از تحویل سوابق خود امتناع کرد، این شورا عملاً به عربستان سعودی اجازه داد تا با اجرای هیچ گاه دستورالعمل خود، از این الزام صرف نظر کند. این نه تنها کارآیی شورای امنیت را کاهش داد، بلکه مسئولیت بیشتری را بر دوش سازمان‌های غیردولتی که تلاش می‌کردند با تکمیل تحقیقات خود، سستی را جبران کنند، وارد کرد (Justsecurity, ۲۰۲۰)

## ۲- وجود فساد در بازار تسلیحات

تجارت تسلیحاتی که نظارت و کنترل نشود مانع توسعه اقتصادی-اجتماعی می‌شود. تخمین زده می‌شود که خشونت مسلحانه سالانه ۱۸ میلیارد دلار برای آفریقا هزینه وارد می‌کند. این تقریباً معادل مبالغ سالانه کمک‌های توسعه‌ای به کل قاره است. درگیری‌های مسلحانه اقتصاد یک کشور آفریقایی را تا ۱۵ درصد کوچک می‌کند تخمین زده می‌شود که نزدیک به یک میلیون از ۷ تا ۸ میلیون اسلحه گرم تولید شده در سال گم یا دزدیده می‌شود. علاوه بر این، هزینه فساد در صنایع دفاعی سالانه ۲۰ میلیارد دلار برآورد شده است. وزارت بازرگانی ایالات متحده تخمین می‌زند که فساد در تجارت اسلحه تقریباً ۵۰ درصد از کل معاملات فاسد در سطح جهان را تشکیل می‌دهد، علی‌رغم این واقعیت که ارزش تسلیحات تجارت شده سالانه از ۱ درصد تجارت جهانی تجاوز نمی‌کند. فساد و رشوه منجر به هزینه‌های مبادلاتی و پنهان بالاتری می‌شود که اغلب درصد بالایی از ارزش کل قرارداد را برای شرکت‌ها نشان می‌دهد (Oxfam, ۲۰۲۱). در قبال فساد کشوری چون ایالات متحده که در ساخت و فروش تسلیحات به قدری در جهان برتری دارد که می‌تواند در عین حفظ موقعیت برتر خود در بازار، تکثیر سلاح‌های متعارف، انتشار فناوری و فساد در قراردادها را محدود کند عملاً رخ نمی‌دهد توانایی آمریکا برای کنار گذاشتن هرگونه معامله تسلیحاتی به کاهش رفتارهای



بد موجود در تجارت جهانی اسلحه کمک می‌کند. سه‌چهارم کل انتقال‌های تسلیحاتی بین‌المللی به کشورهای اختصاص می‌یابد که به گفته سازمان شفافیت بین‌الملل، از نظر اقدامات ضد فساد در بخش‌های دفاعی خود، نمره «D» یا بدتر از آن دارند. تقریباً دو سوم صادرات آمریکا به چنین کشورهایی می‌رود، اما این را با سایر دلانان پیشرو اسلحه مقایسه کنید. فرانسه ۷۶ درصد و انگلستان ۸۵ درصد است. روسیه و چین به هیچ مشتری با درجه بالاتر از «D» صادرات ندارند (CAVERLEY, ۲۰۱۸). باید گفت گسترش و تشدید شبکه‌های تسلیحاتی غیرقانونی جهانی با مرزهای متخلخل، مقامات فاسد شکل می‌گیرد. به عنوان مثال، ۲۱ مسیر شناخته‌شده قاچاق اسلحه به کلمبیا از ونزوئلا، ۲۶ مسیر از اکوادور، ۳۷ مسیر از پاناما و ۱۴ مسیر از برزیل وجود دارد. علاوه بر این، بازیگران خرد تجارت اسلحه لزوماً مجبور نیستند به شبکه‌های جهانی بسیار پیچیده جهانی تکیه کنند. به عنوان مثال، در کلمبیا که در آن مقادیر کمی اسلحه با قایق وارد می‌شود یا در محموله‌های زمینی کالاهای قانونی مانند سیب‌زمینی یا غلات مخفی می‌شود، چنین است. به طور مشابه، اسلحه‌های کوچکی که از اوگاندا به شمال شرق جمهوری کنگو قاچاق می‌شود شامل سلاح‌هایی است که با ماشین، دوچرخه یا حتی پیاده حمل می‌شوند (Cooper, ۲۰۰۷).

### ۳- انتقال تسلیحات به عنوان راهبرد سیاسی

همانطور که پیش‌تر نیز اشاره شد انتقال تسلیحات می‌تواند یک راهبرد سیاسی، اقتصادی و امنیتی باشد این امر مانع از کاهش تولید و فروش تجهیزات نظامی خواهد شد مثلاً ایالات متحده به عنوان تولیدکننده، مصرف‌کننده و صادرکننده پیشرو در تسلیحات پیشرفته در جهان، مدت‌هاست که از فروش تسلیحات برای تأثیرگذاری بر کشورهای کوچک‌تر، مدیریت رقابت‌های تسلیحاتی منطقه‌ای، تشویق همکاری‌های



متقابل متحدان و مهار قابلیت‌های رقبا استفاده می‌کند. برای حمایت از پایگاه صنعتی دفاعی خود و اقتصاد گسترده‌تر. این کشور ارتش‌های خارجی را نه تنها برای دفاع از خود، بلکه برای استفاده از سخت افزار مشترک با ایالات متحده تجهیز می‌کند و عملیات مشترک را آسان‌تر می‌کند. سند حاکم برای انتقال تسلیحات ایالات متحده، دستورالعمل تصمیم ریاست جمهوری ۲۷ از سال ۲۰۱۴، ده «هدف امنیت ملی و سیاست خارجی» را فهرست می‌کند که چنین انتقال‌هایی در خدمت آن‌هاست. این موارد از «اطمینان از ادامه برخورداری نیروهای نظامی ایالات متحده و متحدان و شرکا از برتری تکنولوژیک نسبت به دشمنان احتمالی» تا «اطمینان از اینکه انتقال تسلیحات به نقض حقوق بشر یا نقض قوانین بین‌المللی بشردوستانه کمک نمی‌کند» را شامل می‌شود (CAVERLEY, ۲۰۱۸). سیاست انتقال تسلیحات متعارف ایالات متحده در خدمت اهداف امنیت ملی و سیاست خارجی ایالات متحده است:

- ۱- تضمین اینکه نیروهای نظامی ایالات متحده و نیروهای متحدان و شرکای خود همچنان از برتری تکنولوژیک نسبت به دشمنان بالقوه برخوردار باشند.
- ۲- ترویج دستیابی به سیستم‌های ایالات متحده برای افزایش قابلیت همکاری با متحدان و شرکا، کاهش هزینه‌های واحد برای همه و تقویت پایگاه صنعتی.
- ۳- افزایش توانایی متحدان و شرکا برای بازدارندگی یا دفاع از خود در برابر تجاوز.
- ۴- تشویق به حفظ و گسترش مشارکت‌های امنیتی ایالات متحده با کسانی که در منافع مشترک ما هستند و دسترسی منطقه‌ای به مناطق حیاتی برای منافع ایالات متحده.
- ۵- ارتقای ثبات منطقه‌ای، حل و فصل مسالمت‌آمیز درگیری‌ها و کنترل تسلیحات.
- ۶- جلوگیری از تکثیر تسلیحات متعارف که می‌توانند به عنوان سیستم‌های ارسال سلاح‌های کشتار جمعی مورد استفاده قرار گیرند.
- ۷- ترویج مبارزه با تروریسم تعاونی، حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی، و دیگر



## اولویت‌های امنیت داخلی.

۸- مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی و تهدیدات مربوط به امنیت ملی.

۹- حمایت از حکومت دموکراتیک و سایر اهداف مرتبط سیاست خارجی ایالات متحده.

۱۰- حصول اطمینان از اینکه انتقال تسلیحات به نقض حقوق بشر یا نقض قوانین بین‌المللی بشردوستانه کمک نمی‌کند (Obamawhitehouse, ۲۰۱۴).

در همین راستا مقامات ایالات متحده فروش تسلیحات به کشورهای خاورمیانه را عمدتاً به عنوان راهی برای ایجاد ظرفیت‌های آن کشورها برای کمک به اهداف منطقه‌ای ایالات متحده، مانند مقابله با تروریسم و بازدارندگی ایران، توجیه می‌کنند. این ظرفیت‌سازی اغلب در چارچوب کاهش مالی و لجستیکی است خواسته‌ها از ایالات متحده برای دهه‌ها، برخی از مقامات قوه مجریه و اعضای کنگره برخی از روابط فروش تسلیحات را به عنوان حمایت از اولویت‌های هدفمندتر ایالات متحده، مانند تقویت همکاری‌های درون منطقه‌ای برای مقابله با ایران، جلوگیری از نفوذ رقبای آمریکایی مانند روسیه و چین در منطقه شناسایی کرده‌اند. و تقویت معاهدات صلح مصر و اردن با اسرائیل. سابقه فروش تسلیحات در حمایت از این اهداف کلی و خاص متفاوت بوده است و تعیین کمیت اهمیت نسبی فروش تسلیحات به عنوان یک عامل کمک‌کننده دشوار است. ژنرال کنت مک کنزی، فرمانده سنتکام در ژوئن ۲۰۲۰ گفت که فروش در تحکیم روابط ایالات متحده با شرکای خاورمیانه ایفای نقش می‌کند، ما نمی‌خواهیم [شرکای آمریکایی در خاورمیانه] به چین روی آورند، ما نمی‌خواهیم آن‌ها به روسیه روی آورند. (Everycrsreport, ۲۰۱۷).



## نتیجه گیری

مسئله جنگ و صلح در روابط بین‌الملل با علل و انگیزه‌های متعددی شکل می‌گیرد. برخی معتقدند تنها امنیت‌جویی کشورها یا مقابله با تهدیدها و کسب منافع دولتی عامل بروز جنگ‌ها نمی‌تواند باشد. استدلال این است که افراد، گروه‌های فشار و شرکتهای نیز از بروز جنگ منفعی را کسب می‌کنند. در این راستا باید گفت گروه‌های صنعتی- نظامی برخلاف معنای رایجی که ممکن است به کارخانه‌ها و شرکت‌های تسلیحاتی اشاره داشته باشد تنها یک پدیده تولیدی و صنعتی به حساب نمی‌آید، بلکه در لایه پنهان و آشکار سیاست می‌توان به عنوان یک عامل تاثیرگذار بر نوع رفتار، عملکرد دولت‌ها در نظر گرفت که در ساختار سیاسی و اقتصادی نقش فعال دارد. این مجتمع‌ها مجموعه‌ای از تولیدکنندگانی است که همچون طبقه الیگارشی مالی توانسته از یکسو با بخش‌هایی از درون حاکمیت چون نظامیان، سیاستمداران و دولت‌مردان ارتباط برقرار سازد و از سوی دیگر در سیاست‌های کشورها به طرز قابل توجهی صاحب نفوذ و قدرت باشد. بروز اندیشه‌هایی چون سرمایه‌گذاری نظامی، کلان، فروش تسلیحات، ناامن‌سازی مناطق، جنگ پیشگیرانه، تقویت قدرت نظامی متحدان از درون اندیشه‌های تاثیرگذار که جمع قابل توجهی از سیاستمداران، نظامیان و سرمایه‌داران در آن حضور دارند حاکی از آن است که الگوی سیاست خارجی کشورهایی چون آمریکا نقض صلح بین‌المللی است. این پژوهش نشان داد صلح بین‌المللی با افزایش بودجه نظامی، سود تولیدکنندگان اسلحه، صادرات تسلیحات و درگیری‌های مسلحانه همچنان در حال خطر است. سود حاصل از تولید و فروش سلاح برابر است رشد درگیری‌های مسلحانه و به تبع برجای ماندن تعداد زیادی از کشته‌ها، مجروح‌ها و رنج‌های طولانی مدت اما مسئله ضعف مدیریت و کنترل داد و ستد تجهیزات نظامی ناشی از عواملی چون ضعف قانون‌بازدارنده، وجود فسادهای گسترده



در بازار تسلیحات و فروش تسلیحات به عنوان بخشی از راهبرد سیاسی کشورها است. با این حال می‌توان با محدود ساختن حداقل بزرگ‌ترین تامین کننده تسلیحات جهان یعنی ایالات متحده در روند صلح و حقوق بشر پیشروی‌هایی داشت.



## منابع

- ۱- سلیمی بنی، صادق (۱۳۹۲)، روابط نظامی و تسلیحاتی شمال و جنوب: بررسی موردی مجتمع‌های نظامی- صنعتی ایالات متحده آمریکا، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، دوره ۶، شماره ۲۴، صص ۱۸۵-۱۵۷
- ۲- شکوهی آذر، فاطمه؛ گیوکی، سعید (۱۳۹۰)، مجتمع‌های نظامی صنعتی و نقش نظامیگری در سیاست خارجی آمریکا، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۴، شماره ۱۶، صص ۱۹۶-۱۸۱
- ۳- شهنازی، روح اله (۱۳۹۴)، اقتصادی سیاسی شکل‌گیری گروه‌های تروریستی در ایران و جهان اسلام و نقش مجتمع‌های نظامی-صنعتی آمریکا، دو فصلنامه جستارهای اقتصادی ایران، سال ۱۲، شماره ۲۴، صص ۶۰-۳۳
- ۴- صادقی، سید شمس‌الدین؛ رحیمی، احمد (۱۳۹۴)، مجتمع‌های نظامی -صنعتی و امنیت ملی آمریکا در دوره پسا یازدهم سپتامبر، فصلنامه روابط خارجی، سال هفتم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۴، صص ۱۸۸-۱۵۳
- ۵- کالینز، آلن (۱۳۹۲)، مطالعات امنیتی معاصر، ترجمه سید داود آقایی و علیرضا ثمودی، انتشارات خرسندی، چاپ اول
- ۶- موسوی، سید حامد؛ عادل، مجید (۱۴۰۱)، تأثیر جریان مجتمع نظامی - صنعتی بر سیاست خارجی ایالات متحده پس از یازده سپتامبر مطالعه موردی: اندیشکده‌ها، فصلنامه سیاست‌های دفاعی، سال سی و یکم، تابستان ۱۴۰۱، صص ۲۱۴-۱۸۴





7- Brookings. (2019). Retrieved from The use of military diplomacy in great power competition: <https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2019/02/12/the-use-of-military-diplomacy-in-great-power-competition/>

8- CAVERLEY, J. (2018). Retrieved from AMERICA'S ARMS SALES POLICY: SECURITY ABROAD, NOT JOBS AT HOME: <https://warontherocks.com/2018/04/americas-arms-sales-policy-security-abroad-not-jobs-at-home/>

9- Chou, C. (2023). Retrieved from How do alliances trade arms? Political alliance networks and global arms transfers: <https://journals.plos.org/plosone/article?id=10.1371/journal.pone.0282456>

10- Cooper, N. (2007). Retrieved from What's the point of arms transfer controls?: <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/13523260600603188>

11- Everycrsreport. (2017). Retrieved from Arms Sales in the Middle East: Trends and Analytical Perspectives for U.S. Policy: <https://www.everycrsreport.com/reports/R44984.html>

12- IISS. (2022). Retrieved from Arms Sales and Regional Stability: An Assessment - Introduction: <https://www.iiss.org/online-analysis/online-analysis//2022/12/arms-sales-and-regional-stability-an-assessment>

13- Justsecurity. (2020). Retrieved from How the U.N. Can Help Prevent the Spread of Proxy Conflicts: <https://www.justsecurity.org/70369/how-the-u-n-can-help-prevent-the-spread-of-proxy-conflicts/>



14- Longreads. (2021). Retrieved from No business without enemies: War and the arms trade: <https://longreads.tni.org/stateofpower/no-business-without-enemies-war-and-the-arms-trade>

15- Newsclick. (2022). Retrieved from Global arms Sales Grow For 7th Consecutive Year, Reach \$592 Billion in 2021: <https://www.newsclick.in/global-arms-sales-grow-7-consecutive-year-reach-%2459-billion-2021>

16- Obamawhitehouse. (2014). Retrieved from White House Schedule Presidential Actions Executive Orders Presidential Memoranda Proclamations Legislation Pending Legislation Signed Legislation Vetoed Legislation Nominations & Appointments Disclosures The White House Office of the Press Secretary For : <https://obamawhitehouse.archives.gov/the-press-office/2014/01/15/presidential-policy-directive-united-states-conventional-arms-transfer-p>

17- Oxfam. (2021). Retrieved from Why we need a global Arms Trade Treaty: <https://www.oxfam.org/en/why-we-need-global-arms-trade-treaty>

18- Press. (2023). Retrieved from Security Council Examines Risks of Illicit Weapons Exports, Hears International Instruments Are Paramount, in Debate on Arms Control: <https://press.un.org/en/2023/sc15252.doc.htm>

19- Sipri. (2022). Retrieved from Arms sales of SIPRI Top 100 arms companies grow despite supply chain challenges: <https://sipri.org/media/press-release/2022/arms-sales-sipri-top-100-arms-companies-grow-despite-supply-chain-challenges>

20- Southall, D. (2002). Retrieved from Empty arms: the effect of the arms trade on mothers and children: <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC139041>